

MARVEL

23

LGY#749

DONNY CATES
NIC KLEIN
MATT WILSON

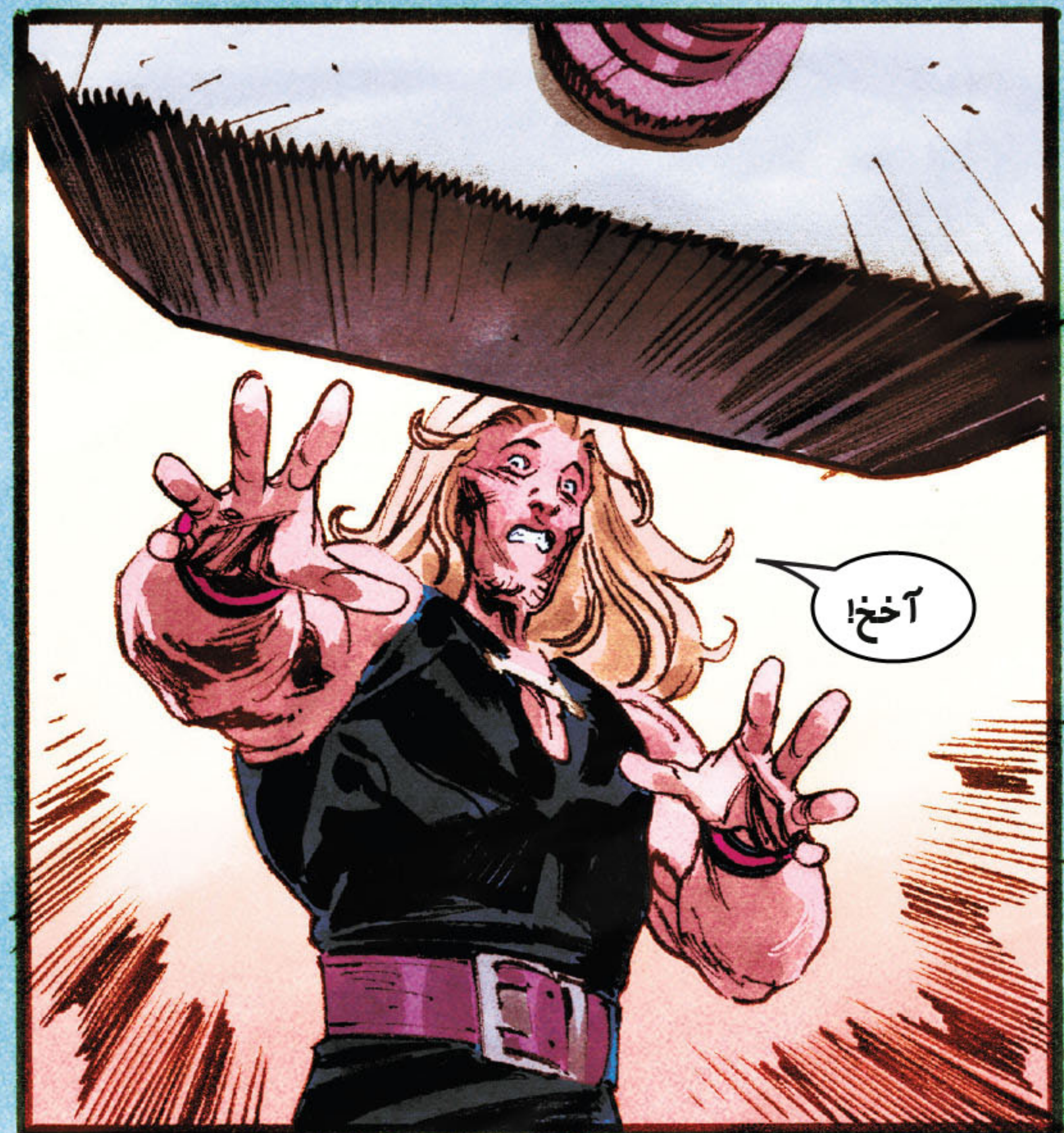
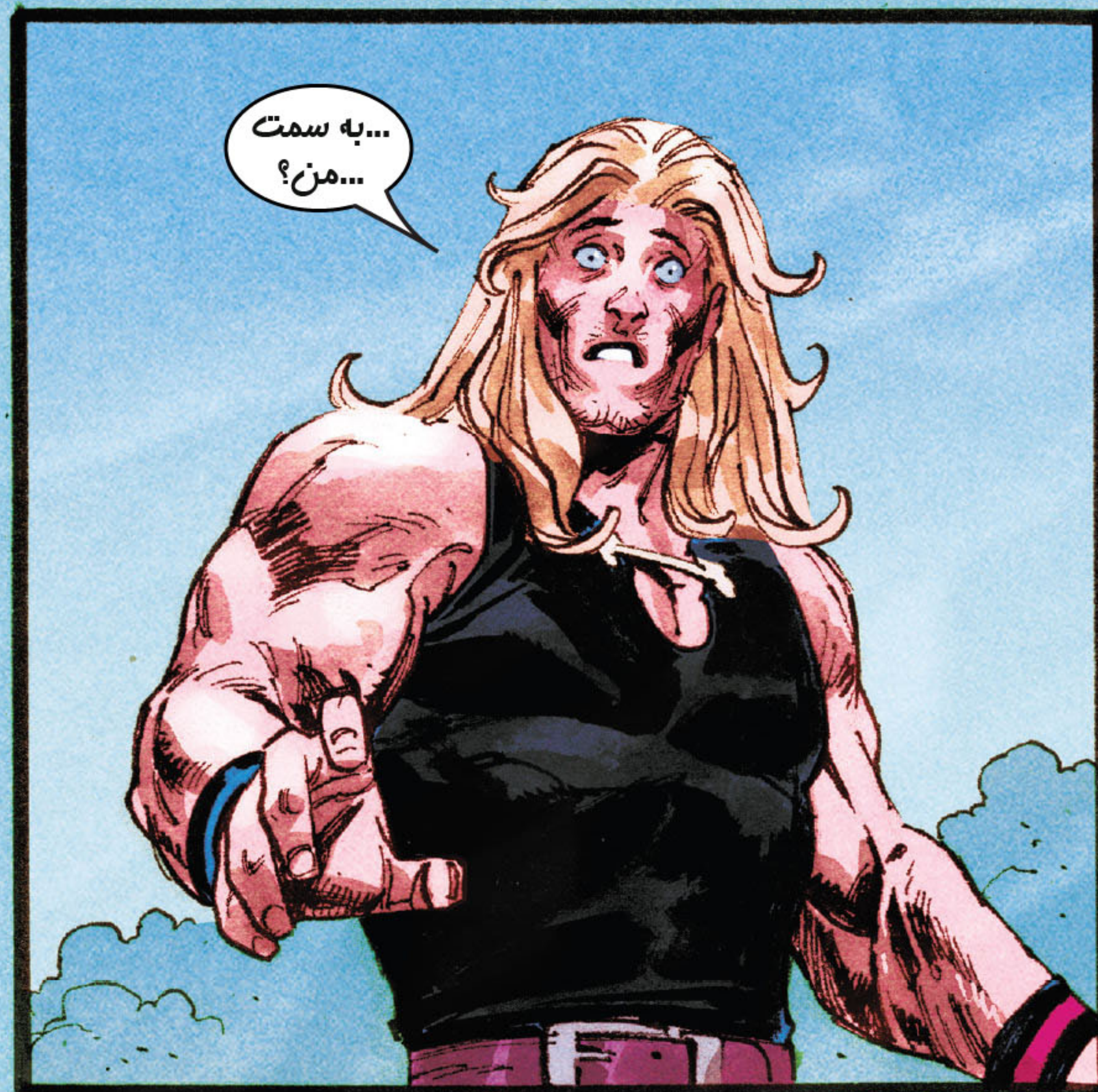
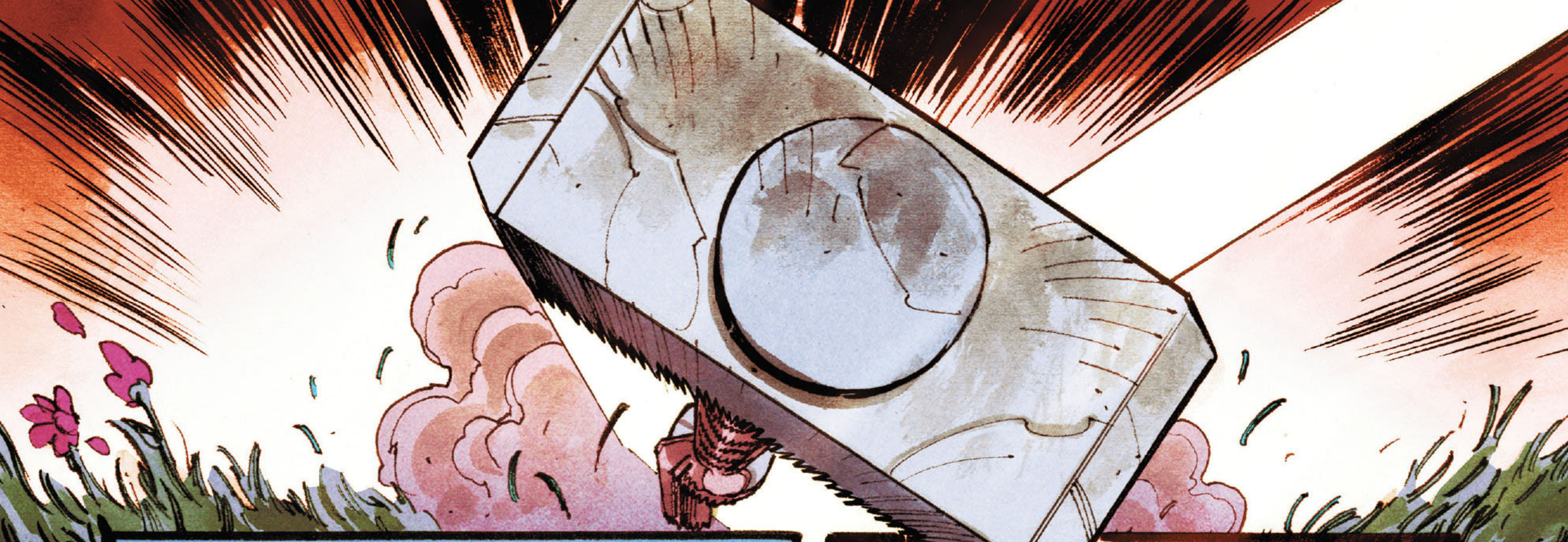
THOR



N 2011
11/21/11


dorname.ir

The Realms-Shattering Finale Of
GOD OF HAMMERS



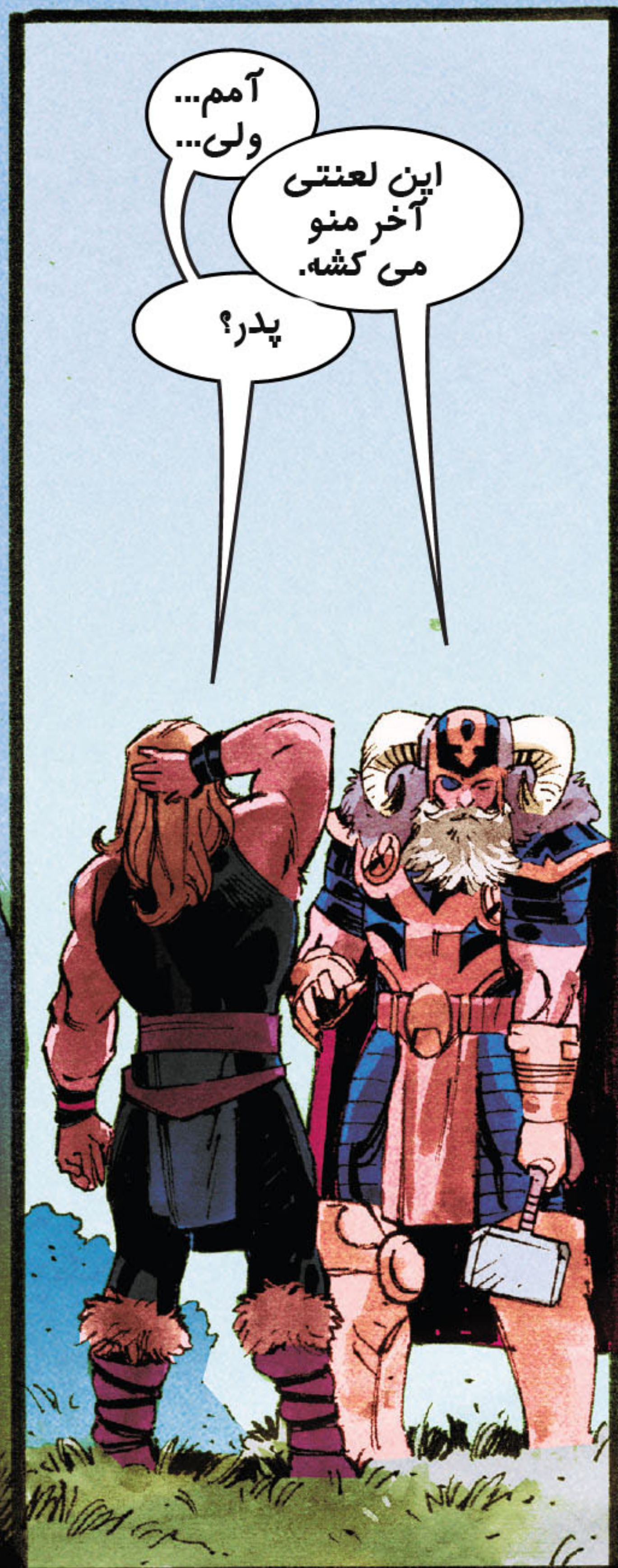
میولنیر
نمی تونه بهت
صدمه بزنه.





متأسفم پدر... فکر کنم نمی تونم تعادلشو حفظ کنم.

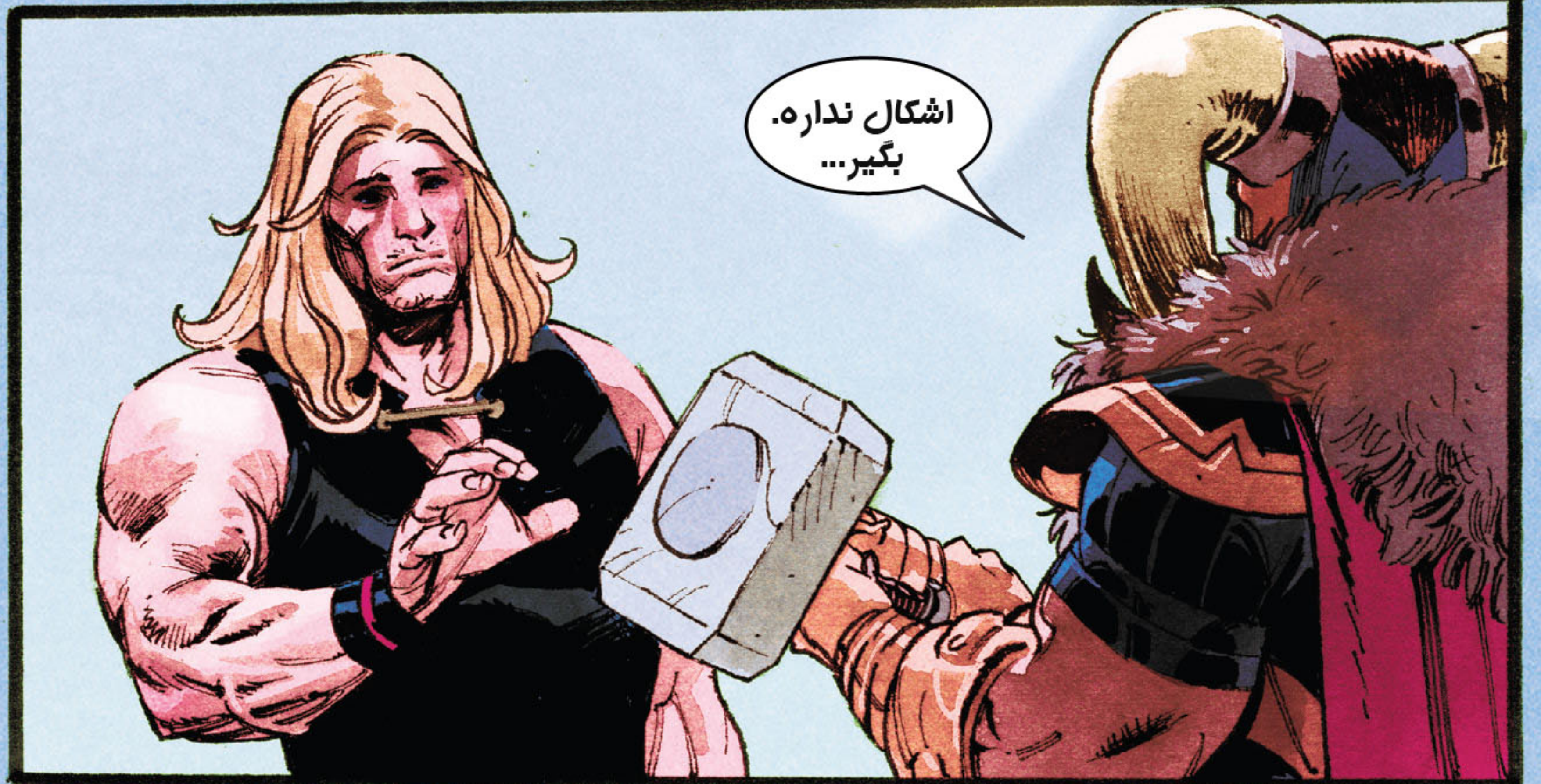
چیزی نیست که خواهی بخاطرش متأسف بشی پسر.



آمم... ولی...

این لعنتی آخر منو می کشه.

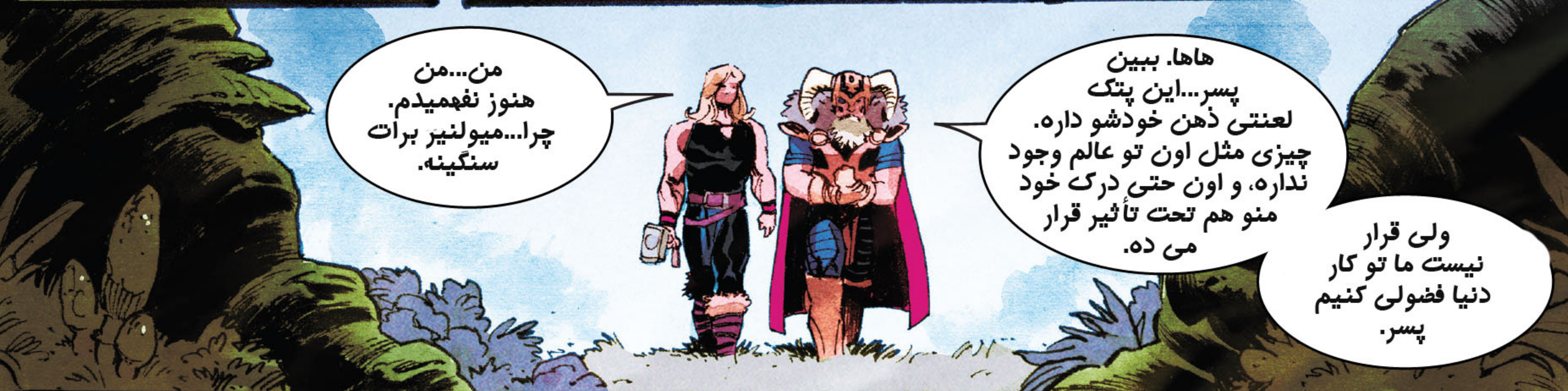
پدر؟



اشکال نداره. بگیر...



...به هر حال به تو تعلق داره.



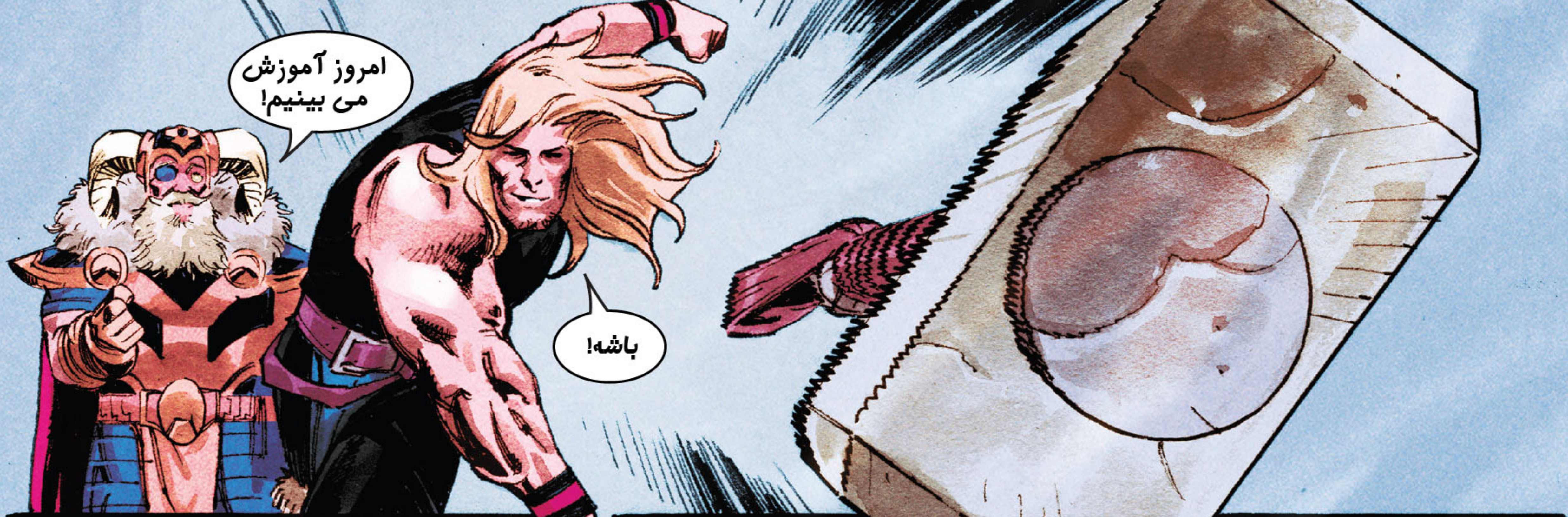
من... من هنوز نفهمیدم. چرا... میولنیر برات سنگینه.

هاها. ببین پسر... این پتک لعنتی ذهن خودشو داره. چیزی مثل اون تو عالم وجود نداره. و اون حتی درک خود منو هم تحت تاثیر قرار می ده.

ولی قرار نیست ما تو کار دنیا فضولی کنیم پسر.



تو مدت پادشاهی خودت می فهمی.



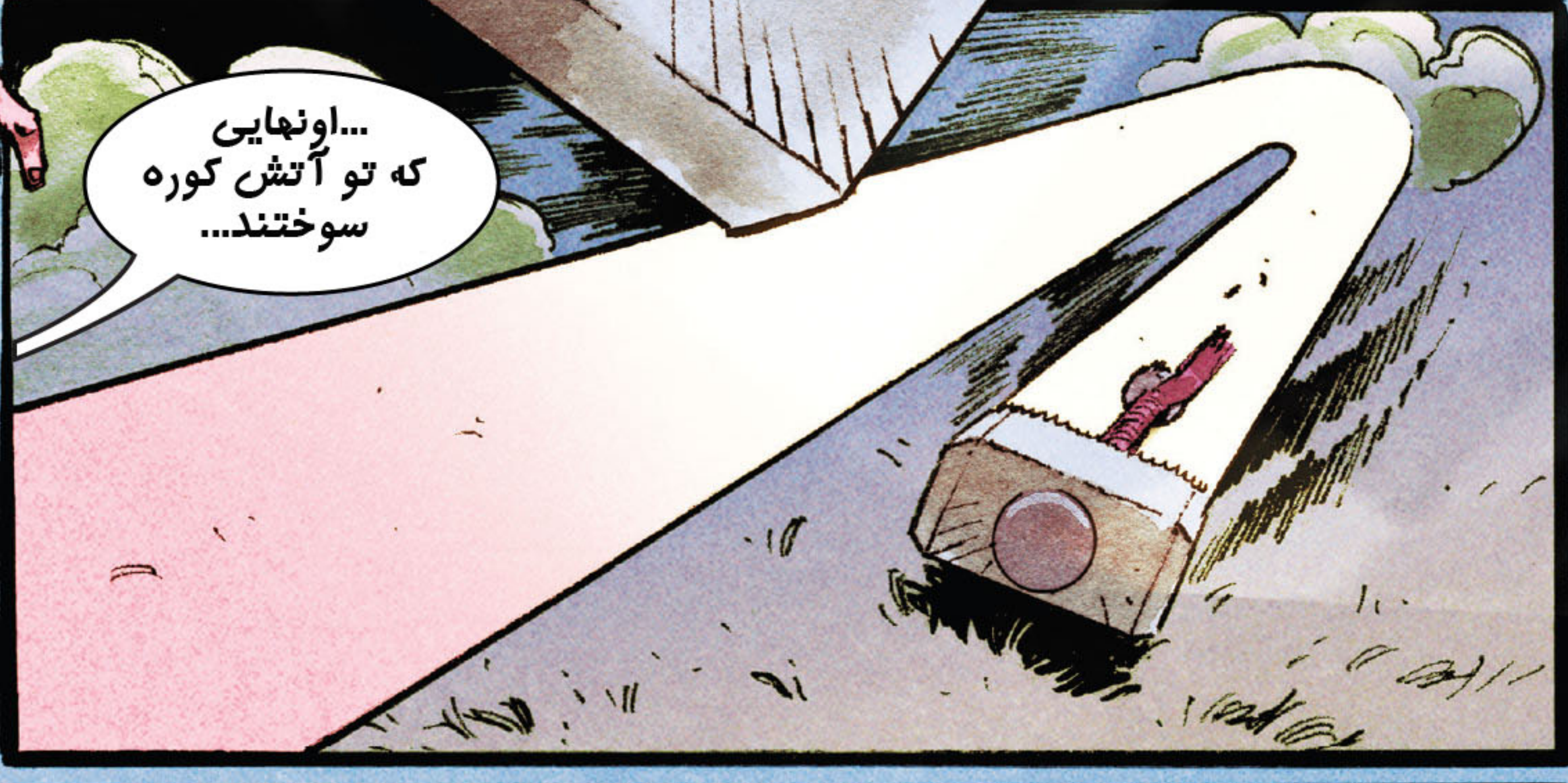
امروز آموزش
می بینیم!

باشه!

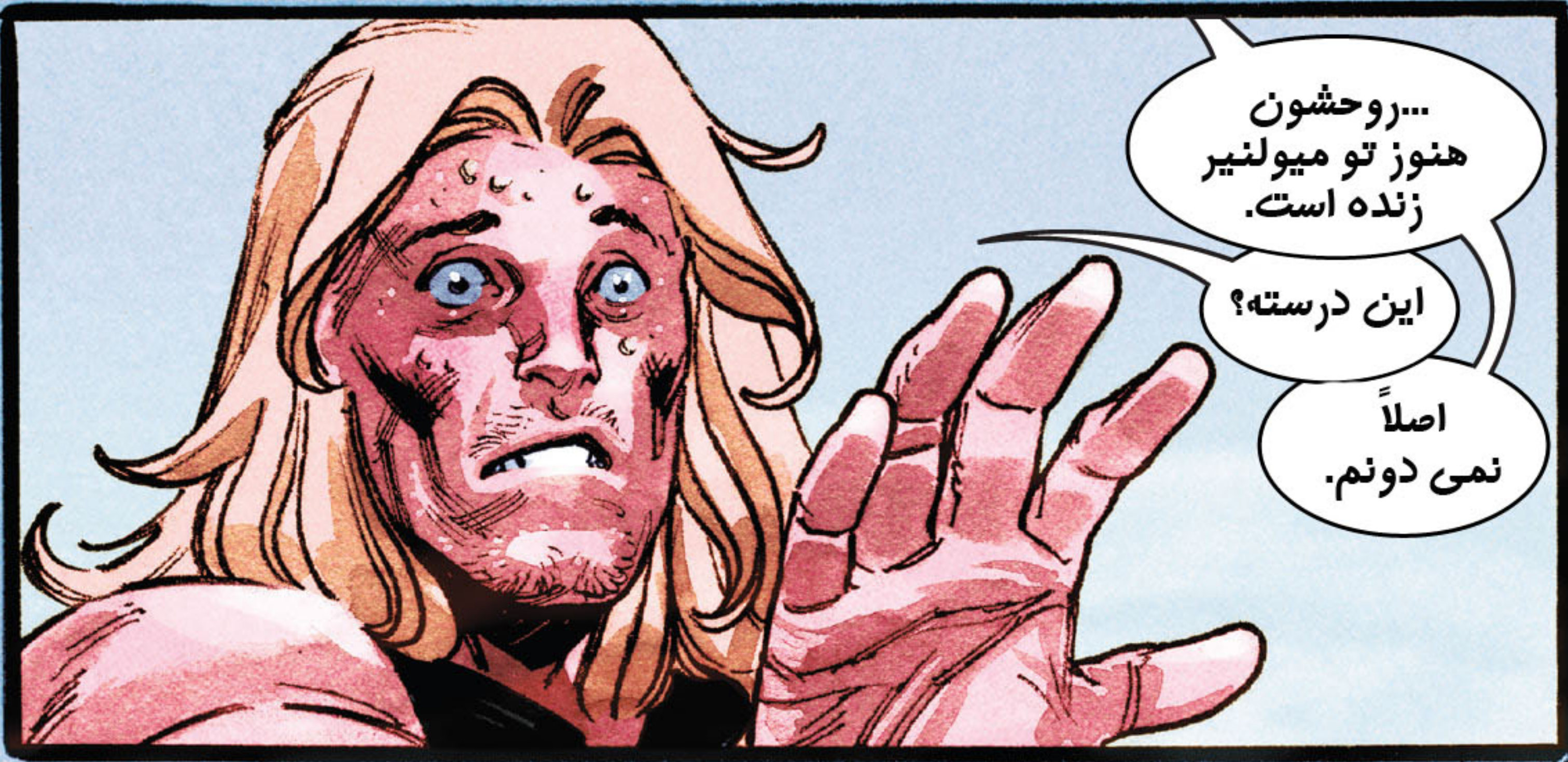
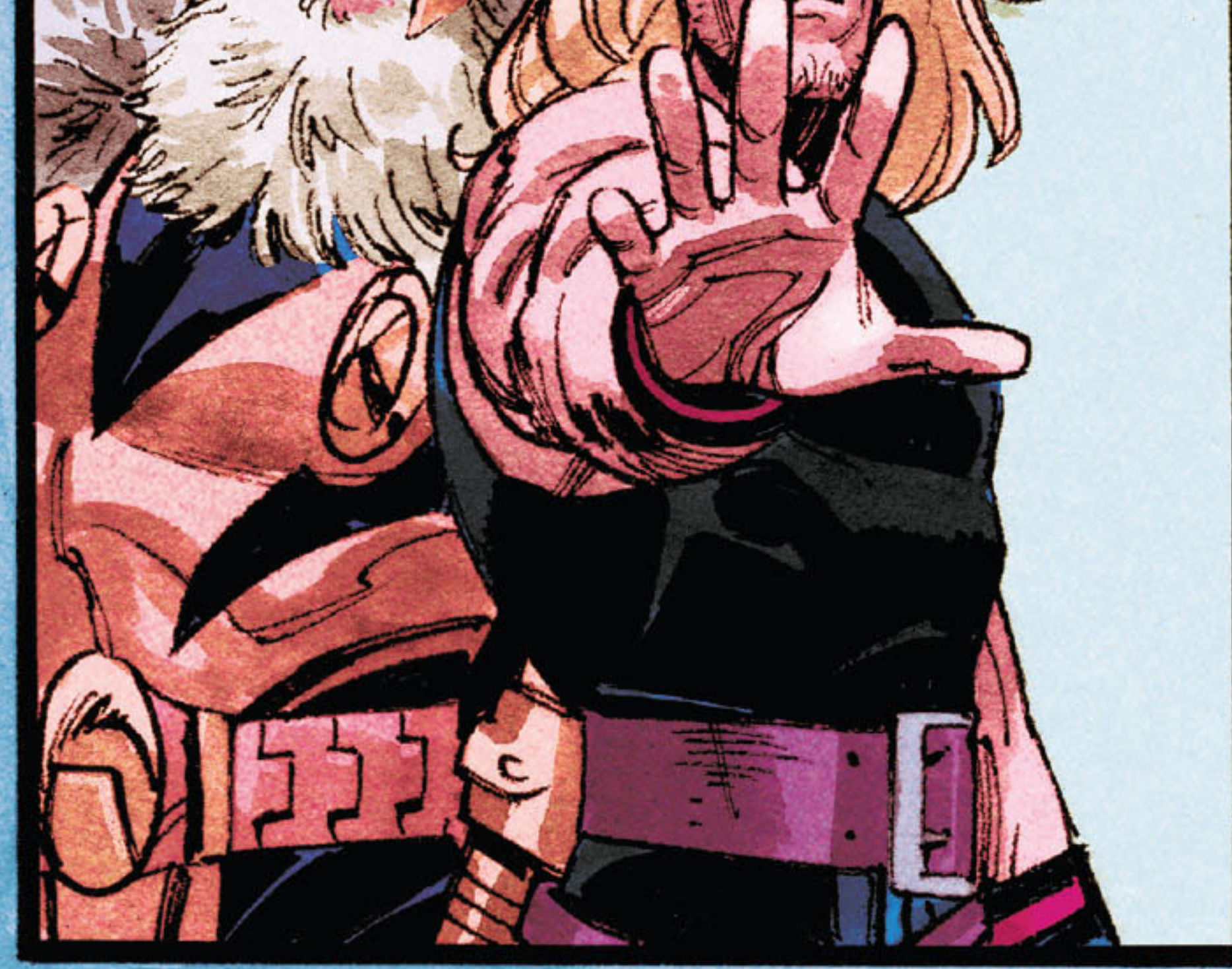


حالا...
کوتوله های نیدلیوار.
اونهایی که میولنیر
رو ساختند.

یه بار به
من گفتند که... روح
کوتوله هایی که در زمان
ساخت اون سقوط
کردند...



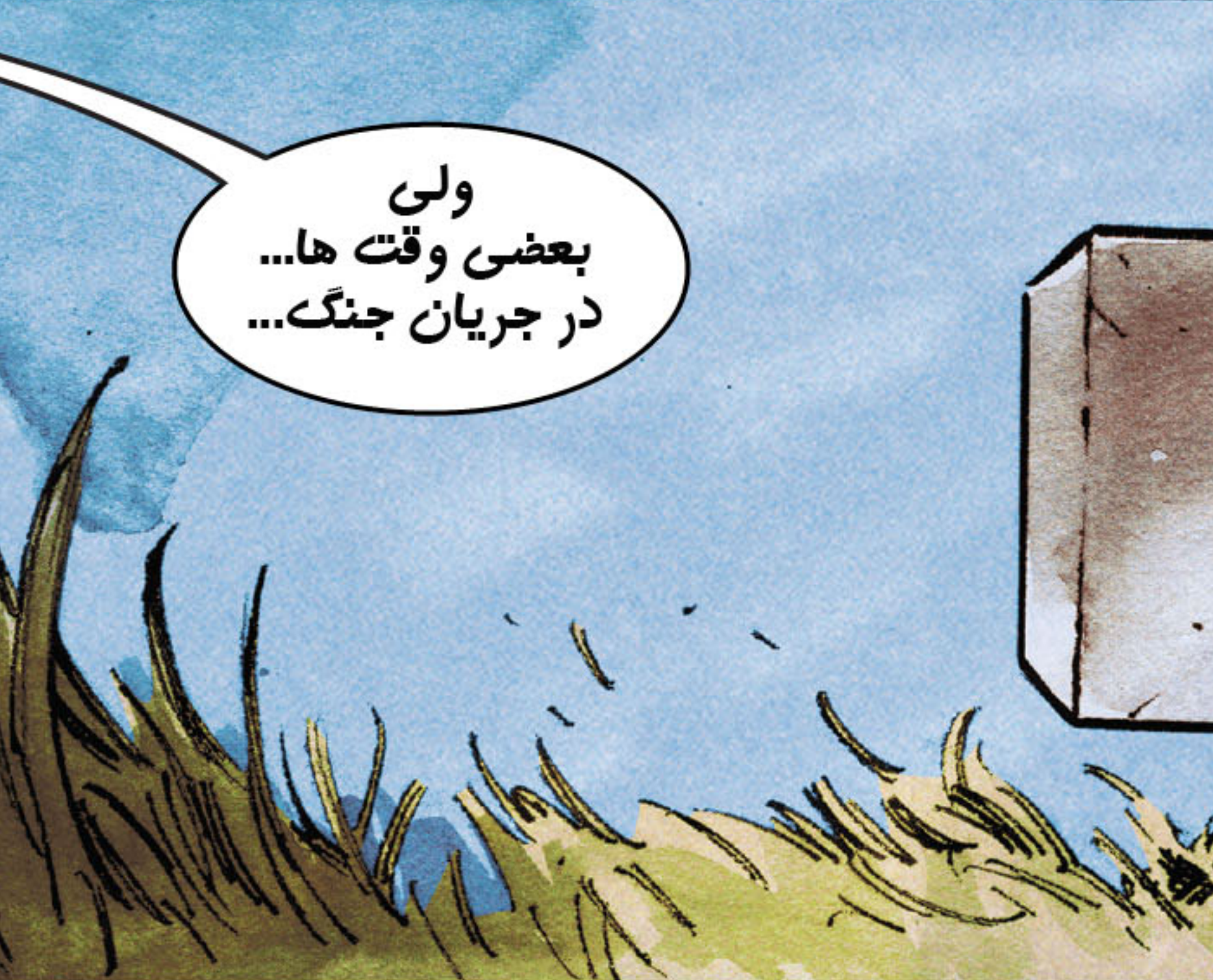
...اونهایی
که تو آتش کوره
سوختند...



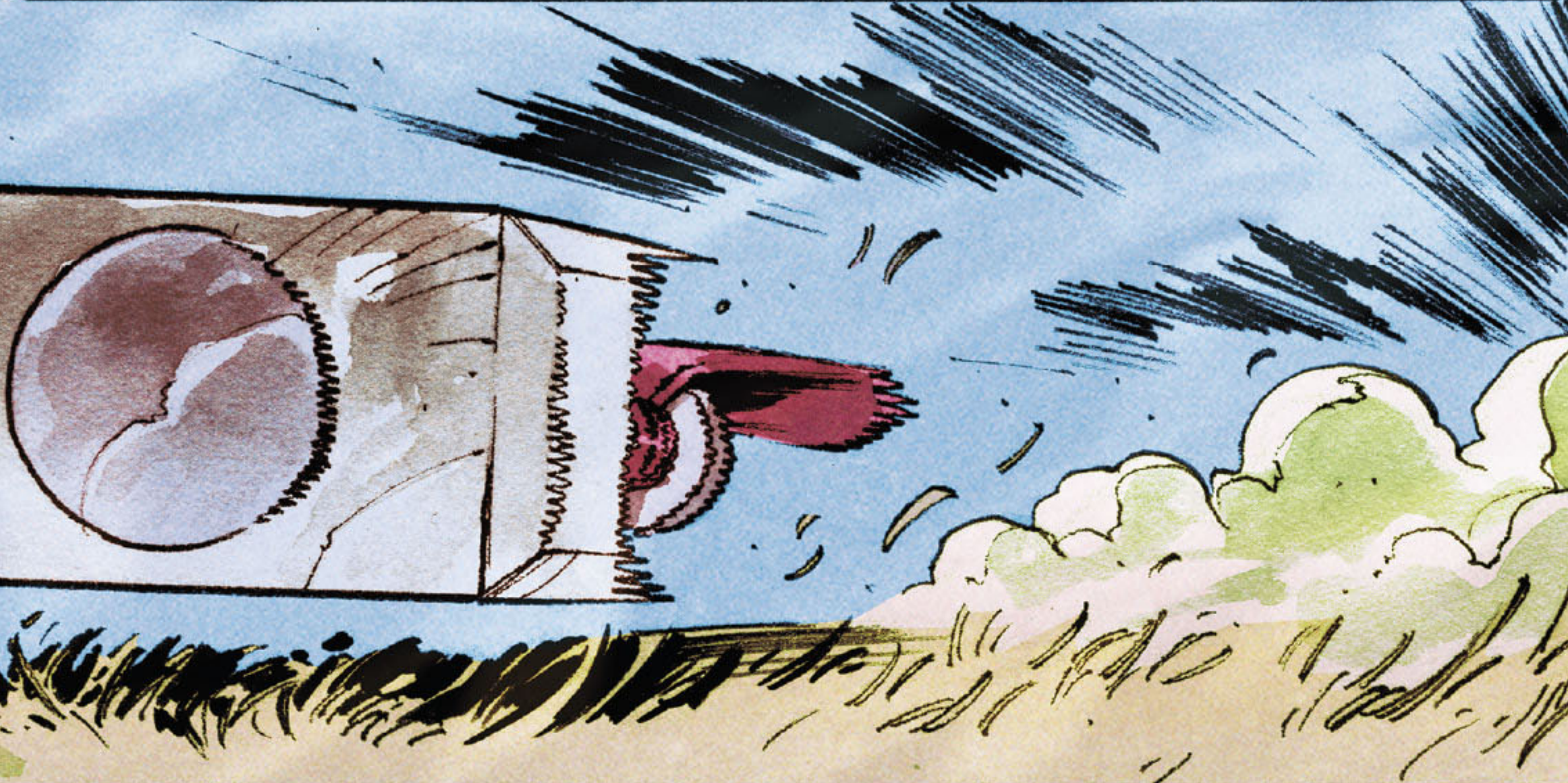
...روحشون
هنوز تو میولنیر
زنده است.

این درسته؟

اصلاً
نمی دونم.



ولی
بعضی وقت ها...
در جریان جنگ...



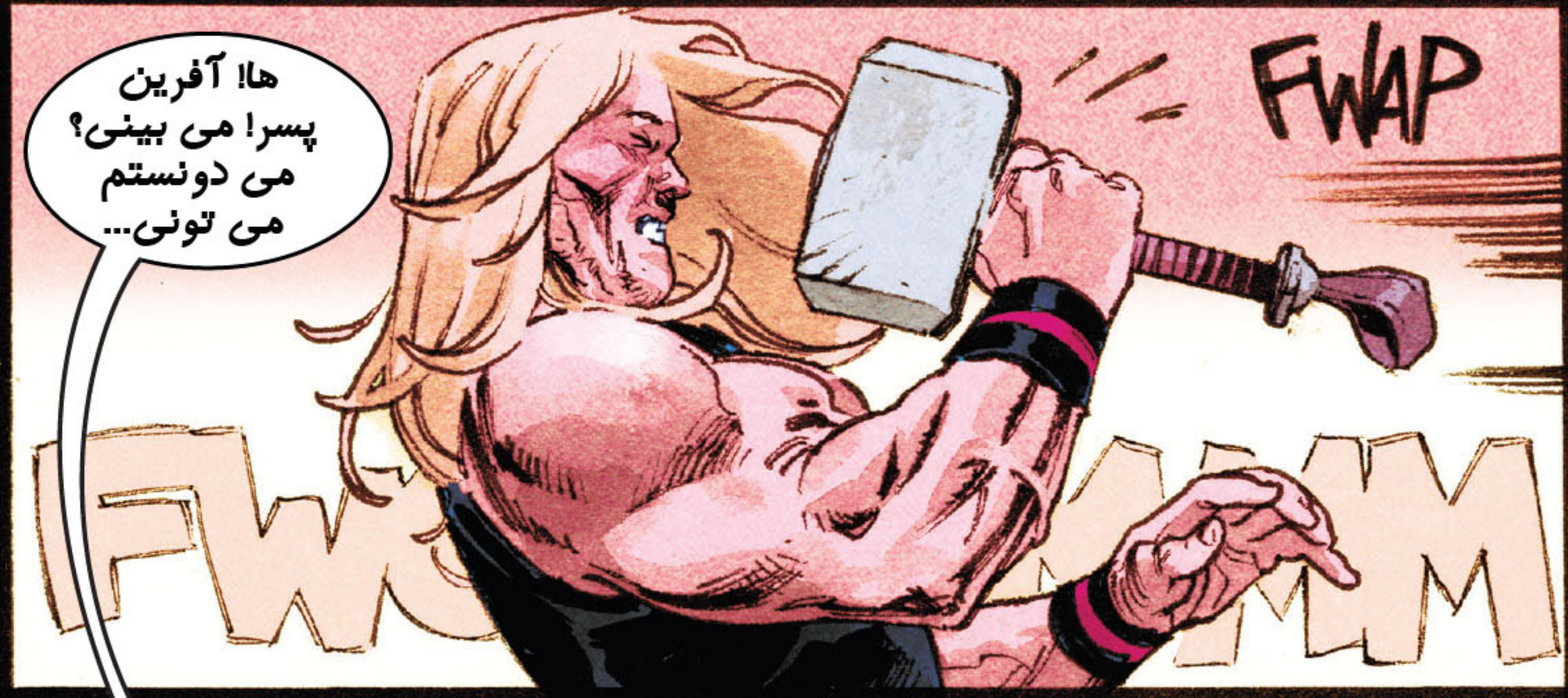
...وقتی
ظاهر همه چیز
از دست رفته... من
اون پتک رو به دست
گرفتم... و قسم می خورم
تونستم صداشونو
بشنوم.



می دونی
چی می کن
پسرم؟



می گن
"چشمهاتو باز
نگه دار."



ها! آفرین
پسرا! می بینن؟
می دونستم
می تونی...



ثور...

...چی شده؟

این... برای
من هم اتفاق
می افته؟ کی
می میرم؟ روح
من...؟

پسرم.

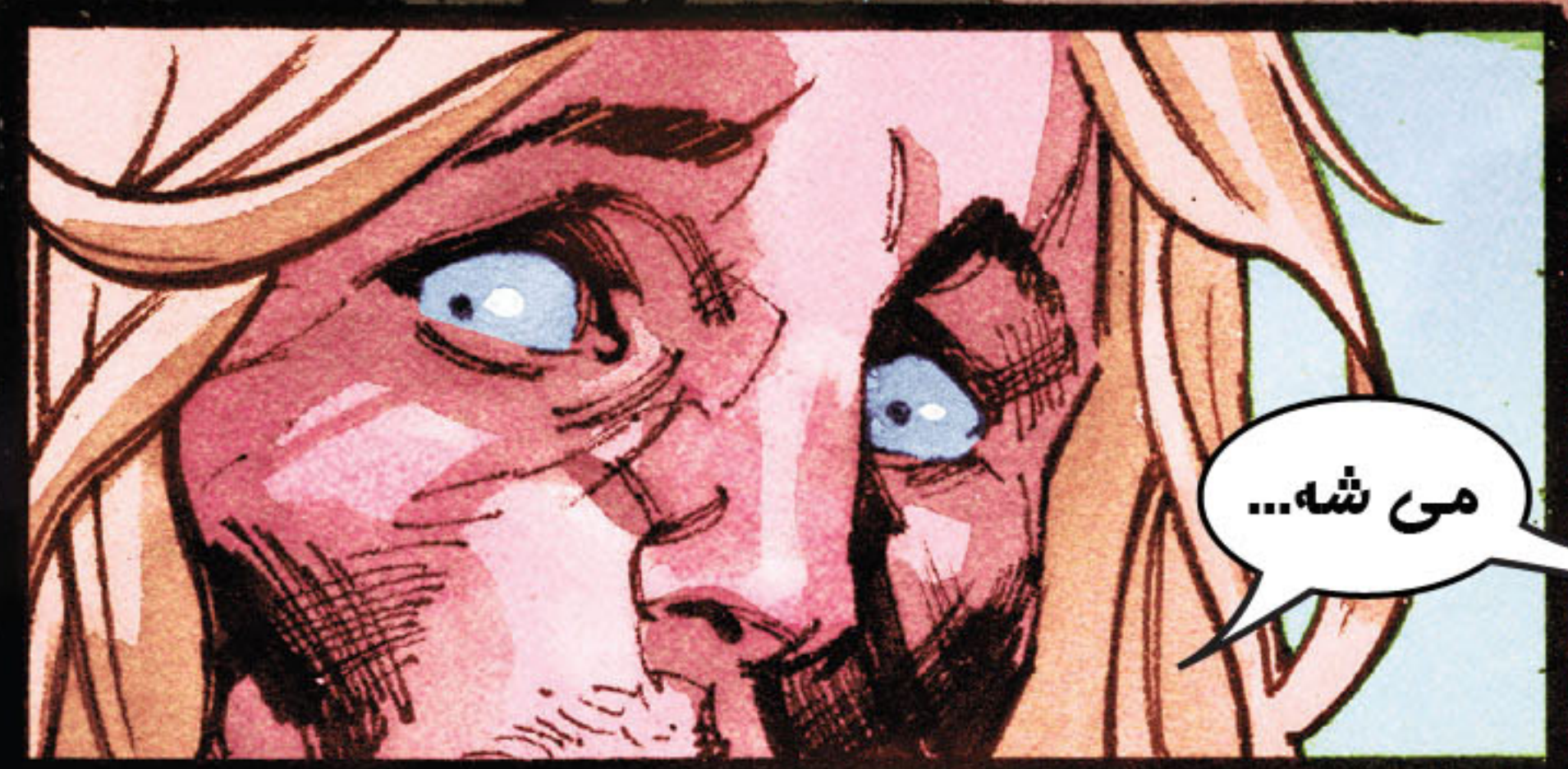


لازم نیست
نگران این چیزها
باشی. همیشه جای تو
در تالار والهالا محفوظ
خواهد بود.

قبل از اینکه
سر به بالین خاک
بذاری تمام ستاره ها
سرد و خاموش خواهند
شد. این یه وعده
است. و ...

و تو؟

من چی،
پسرم؟



می شه...

...ممکنه
تو بمیری؟



نه پسرم.
هیچکدوم واقعاً
نمی میریم.

بعد از
مرگ، من به
چیزی تبدیل
می شم که همیشه
بودم...

...یه افسانه.

دورانی





من بینم که
اعصابت رو داغون کردم!
تو همیشه بچه ننه بودی ثور!
از همون موقعی که
پیر مرد...

اسمش...



اودینه!

آه!!

FWOOOMM



سیف.

من به
سلاح می خوام.
به انبار مهمات برو
و ...

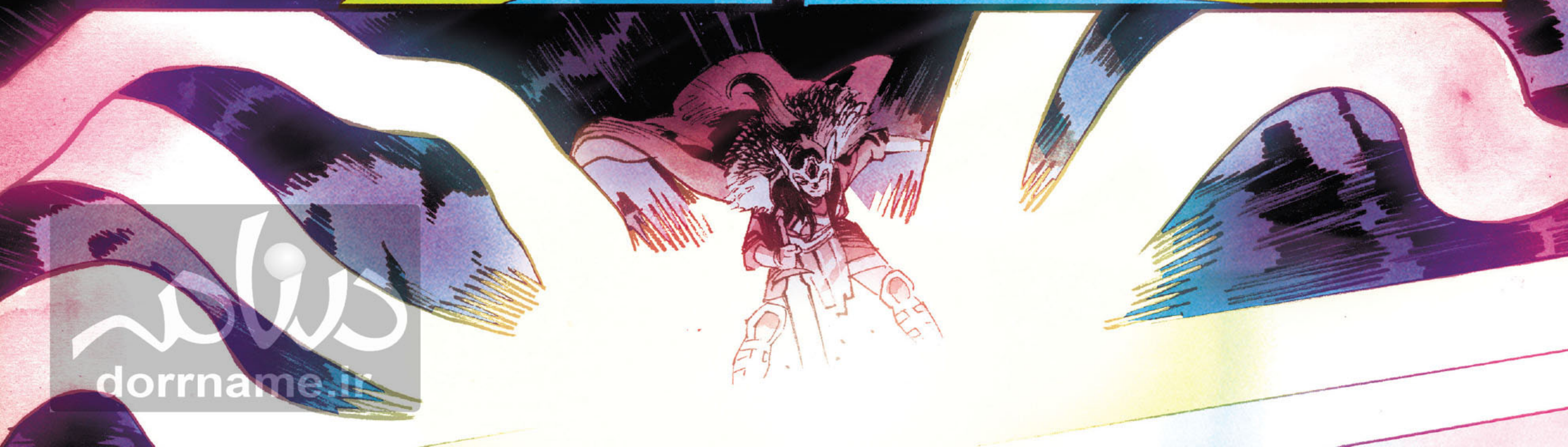
ثور، تو خیلی
رو نیروی اودین حساب
باز کردی. اگه تمومش نکنی،
به خواب همیشگی فرو می ری.
و دیگه نمی تونم ازت
محافظت کنم، اگه...

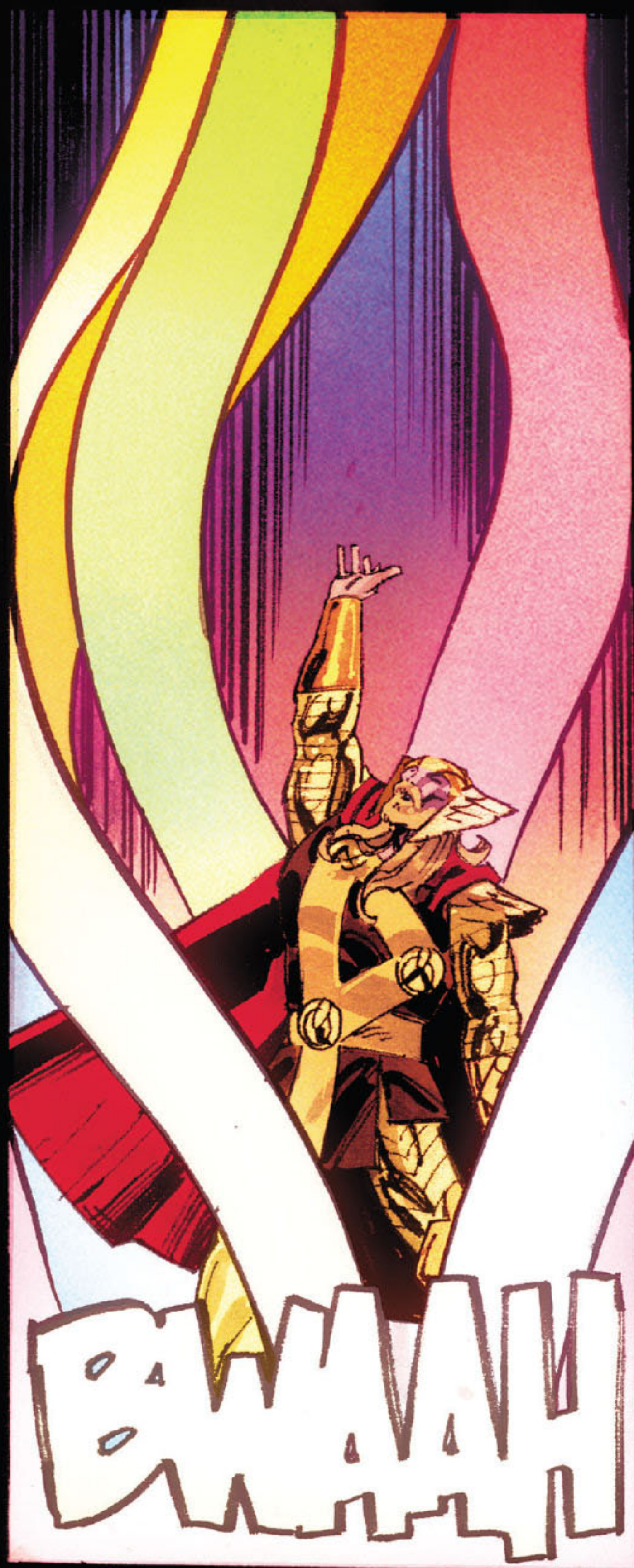
سیف.



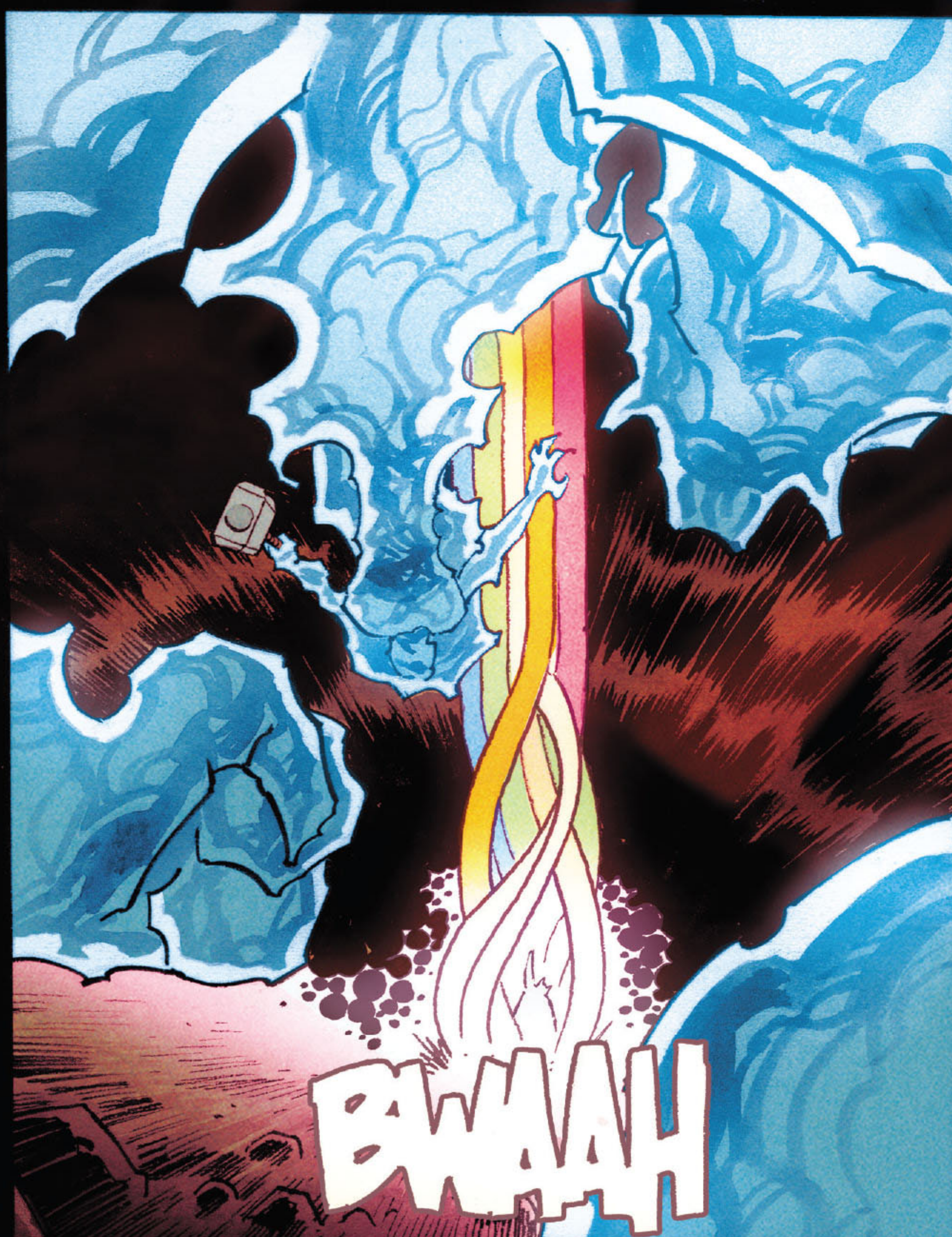
الان از نیروی
شمشیر خلاصت
می کنم.

خیلی
خوب.





BAWAH



BAWAH



AWA



ممنونم
سیف.

قول می دم
کارم تموم شد.
برش گردونم.



بیفر است!

برای من!

زرد زار اسی! ایا!

نمی شه؟

تو
قدر تمندی میولنیر.
تو صاعقه متحرکی. طوفانی
قوی و ترسناک.

تو... نمی تونی!!!
نمی تونی صاعقه رو
محدود کنی!

هر چی باشه یه
طوفانی.

و من
ارباب تو.

و این.

مال
منه.



تو ترسیدی.

نه!!! تو نمی تونی این کارو بکنی! فکر می کنی برنده شدی!؟

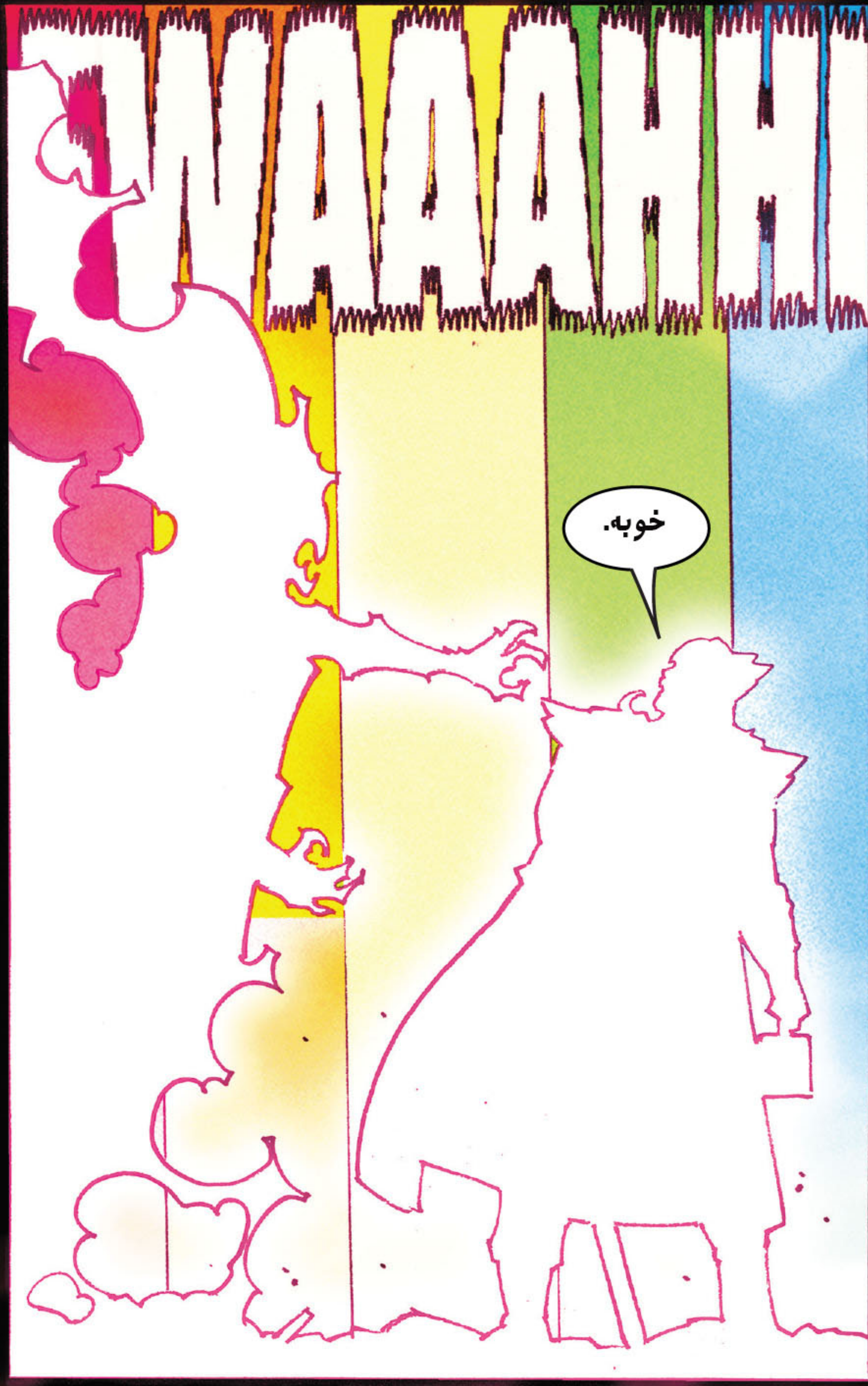
تو سقوط می کنی ثور! مثل پدرت که قبل از تو سقوط کرد! من رو نمی تونی از اون پتک جدا کنی. من میولنیر هستم. و من قرار نیست...



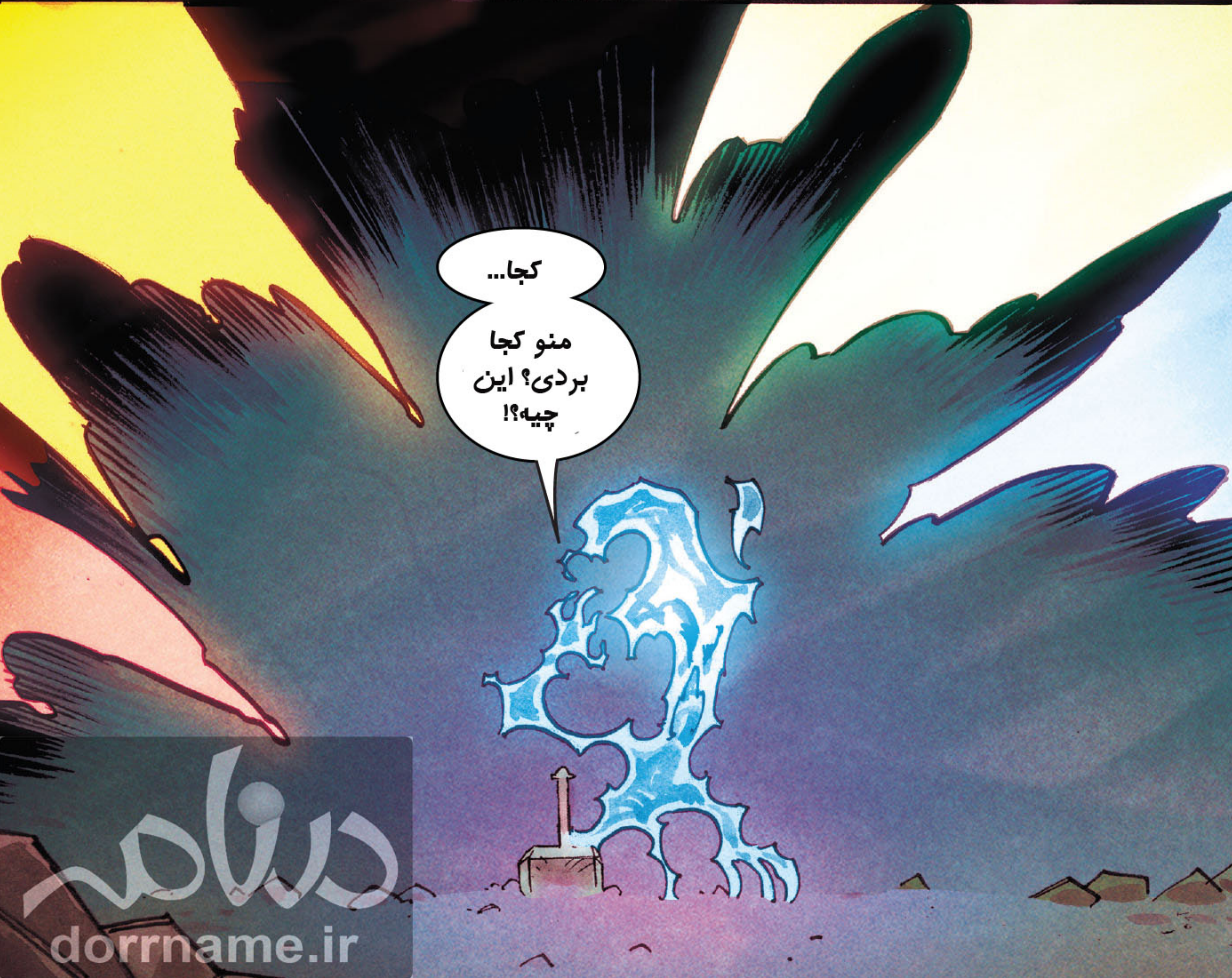
می تونم حسش کنم. در تعادل.

می تونم حس کنم که داری می لرزی. تو تله افتادی.

ترسیدی.

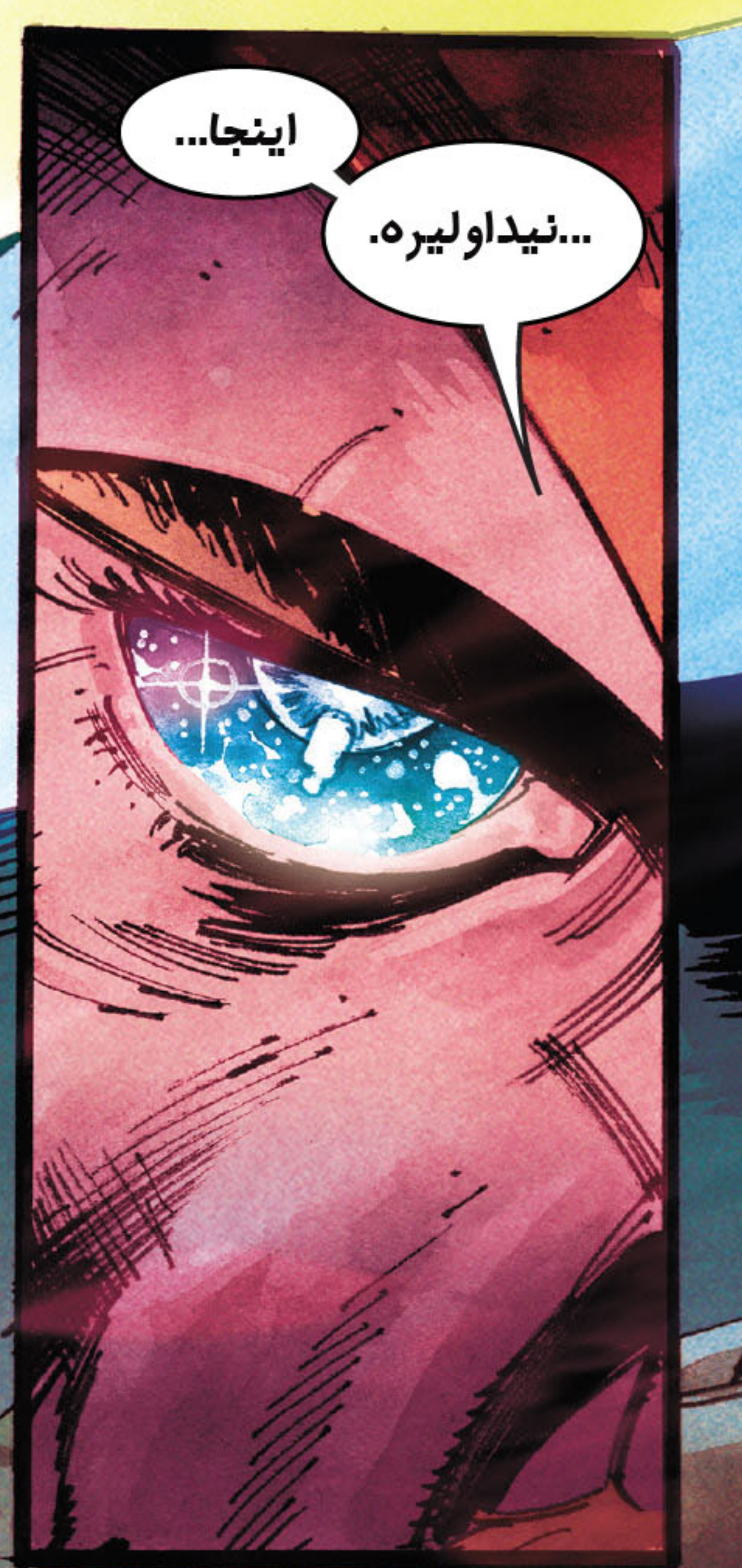


خوبه.



کجا...

منو کجا بردی؟ این چیه!؟



اینجا...

...نیداولیره.



اینجا همون کوره است.



اینجا جاییه که توش به دنیا اومدی میولنیر...

نه!



و اینجا...

FWAAH



REAAHHH!!

FWSSSS



...جاییه که قراره توش بمیری.



حسش می کنی؟

ن-ن-نه!!! برو عقب.



این حرارت یک میلیارد خورشیده.

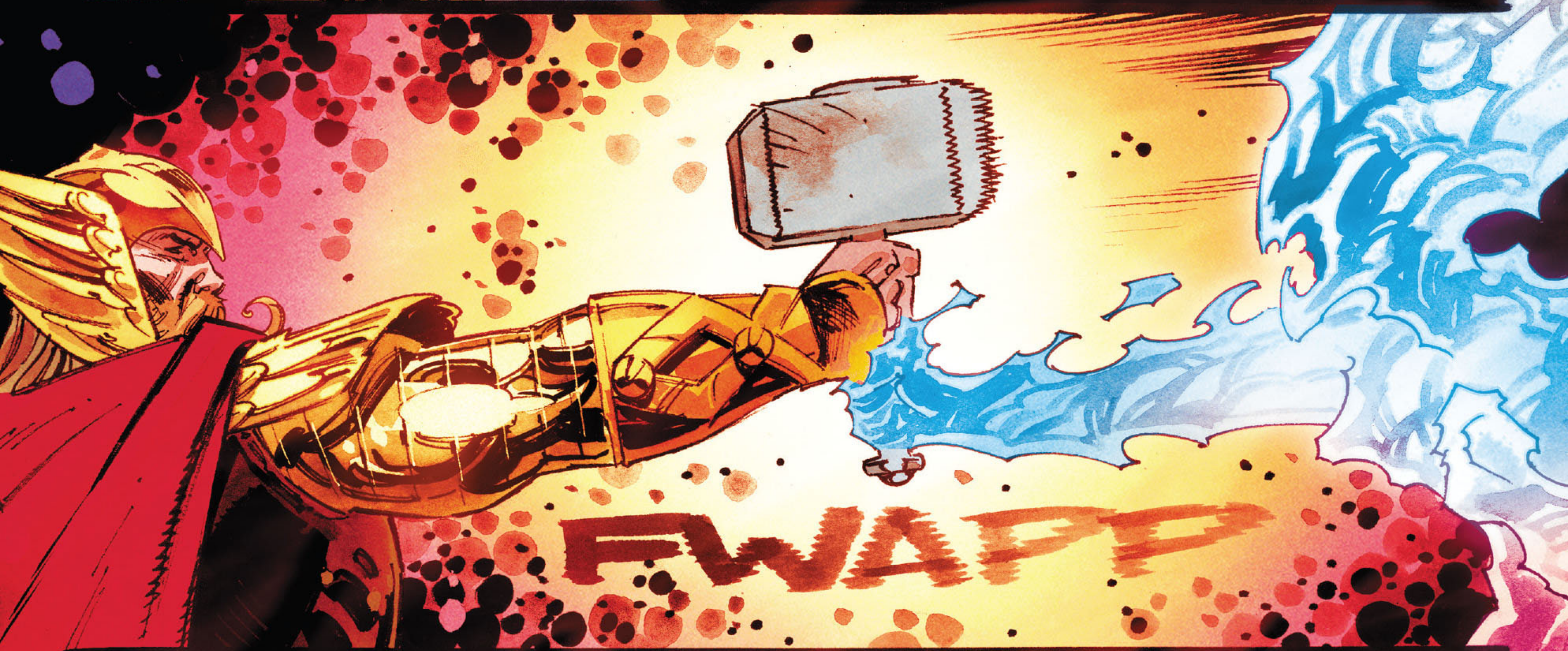
هر چی باشی تجزیه ات می کنه. تمام جادویی که پدرم بهت داده ذوب می کنه.

تمام جادویی که بهت بال و پر داد، می سوزونه.



خوردت می کنم میولنییر.

AGHHH!



FWAA



تو نمی تونی به من لطمه ای بزنی.

صدای رعد در
کبکشان طنین
می اندازد.

و در زیر آن... فریادهای
پسری بی پدر.

که شاه شد.

فریادهای او با هر ضربه پتک خیانت
پیشه در کوهستان های نیداو لیر
می پیچد و آنها را می لرزاند.

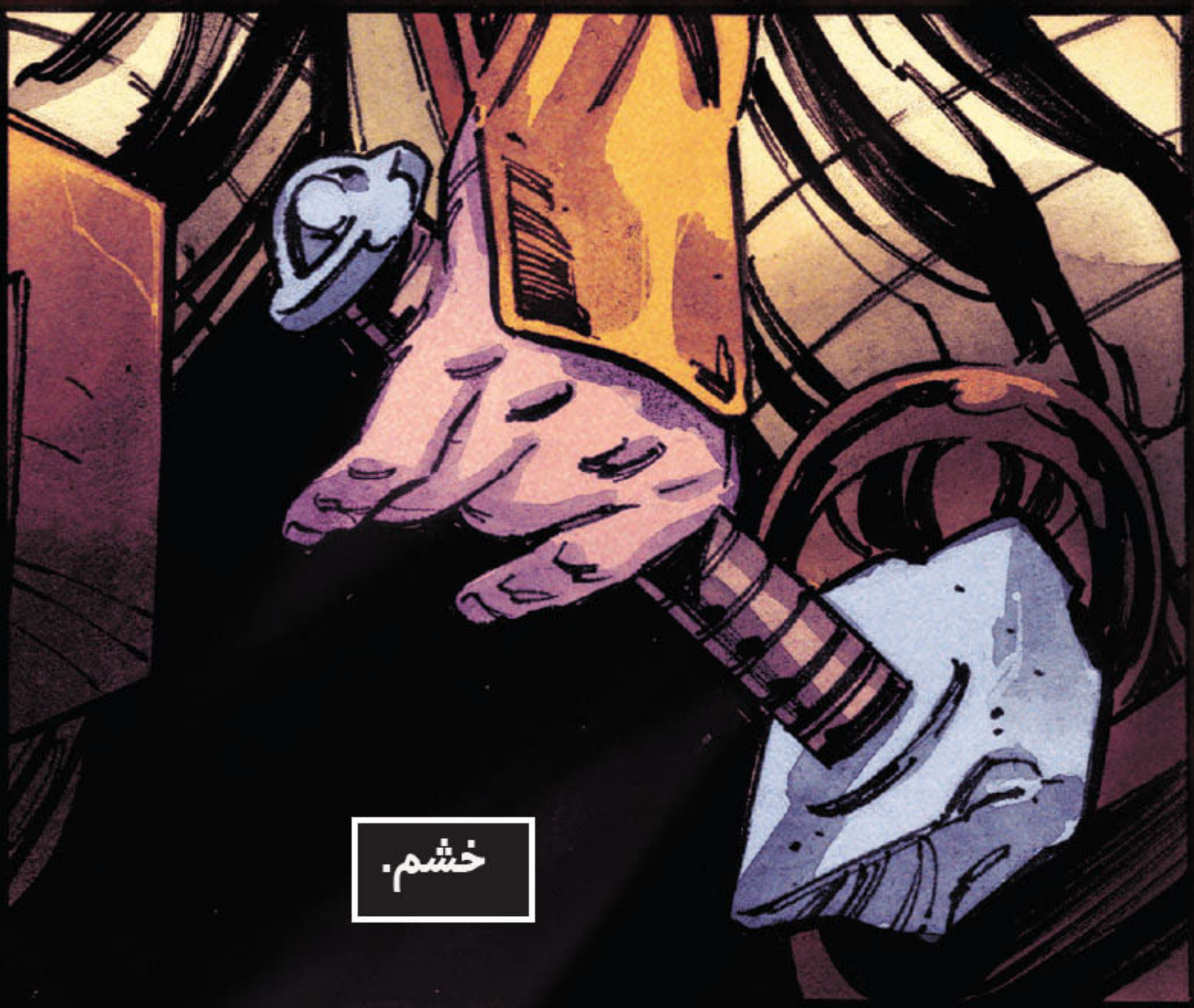
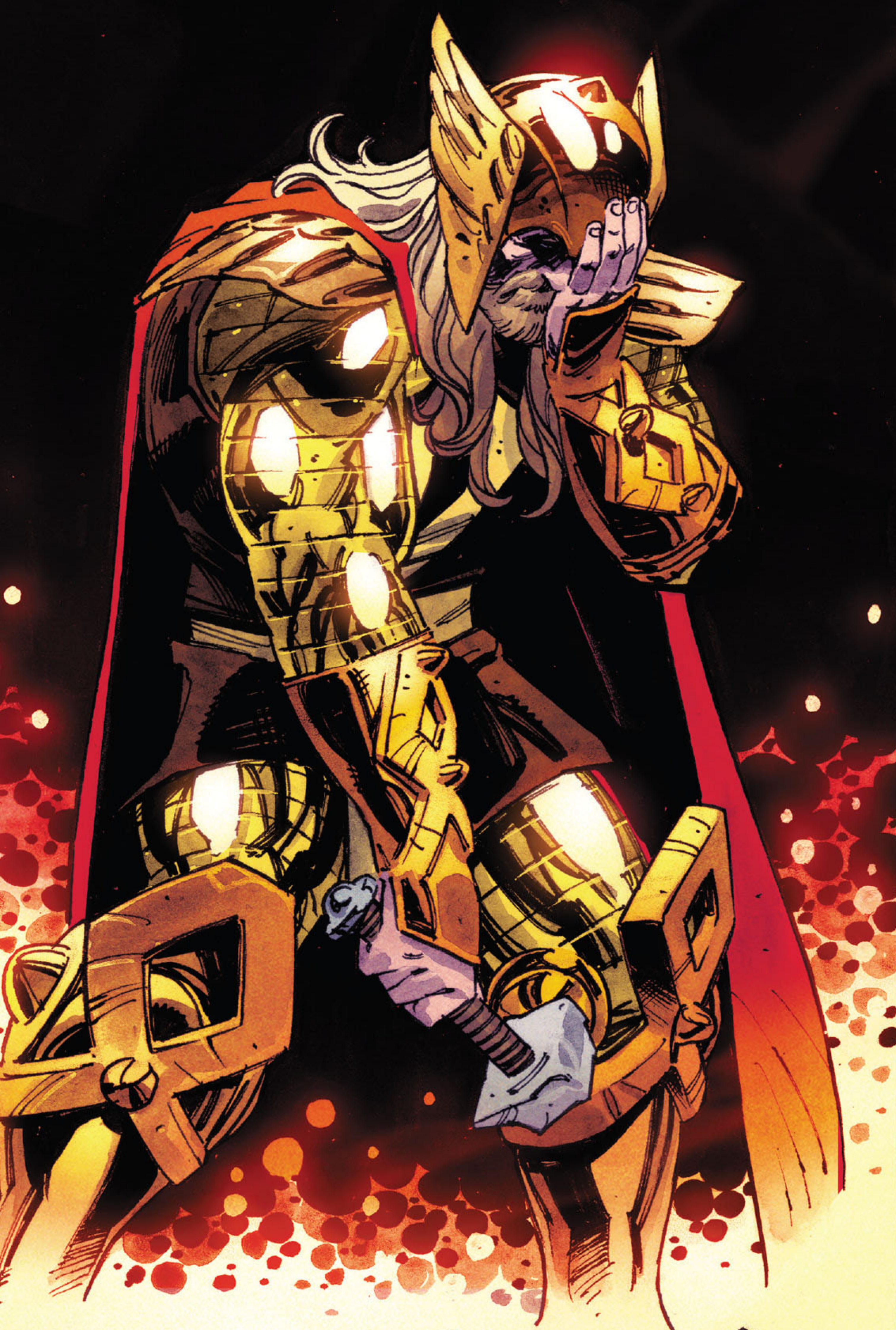
آخرین بقایای میراث پدرش
در دستان او رنک باخته.

و بارها...

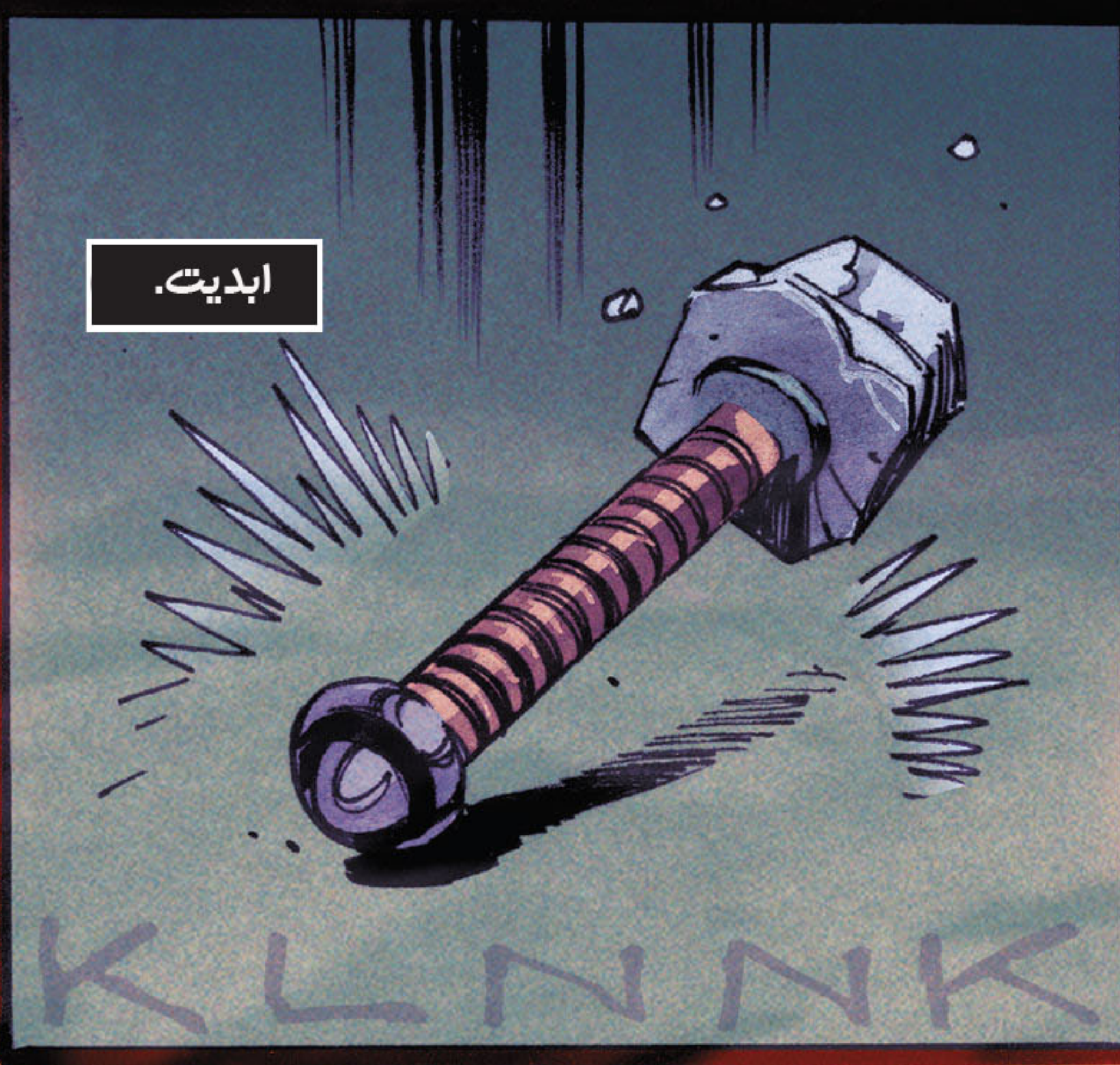
...و بارها...

...این چرخ
گشته.

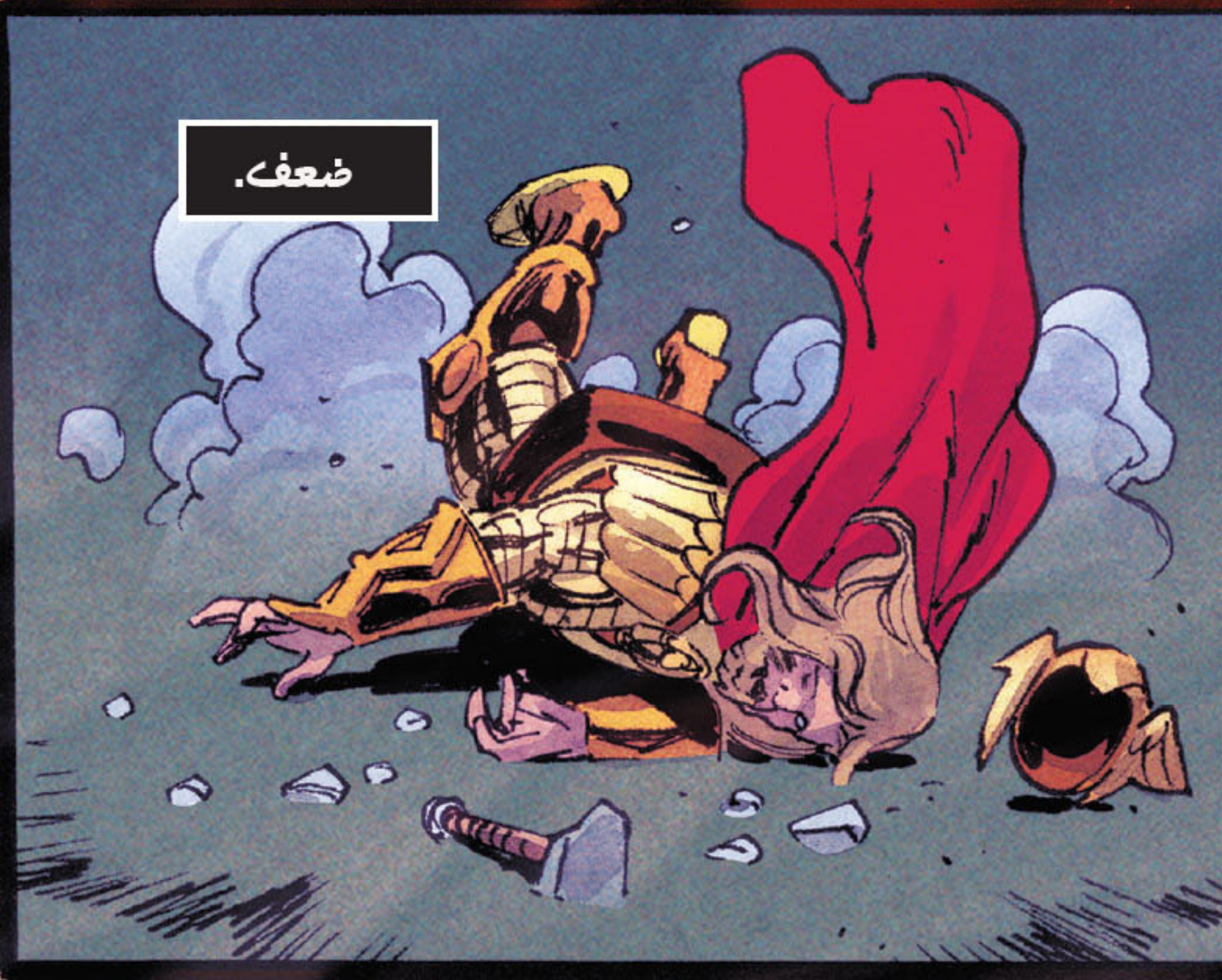
آتش.



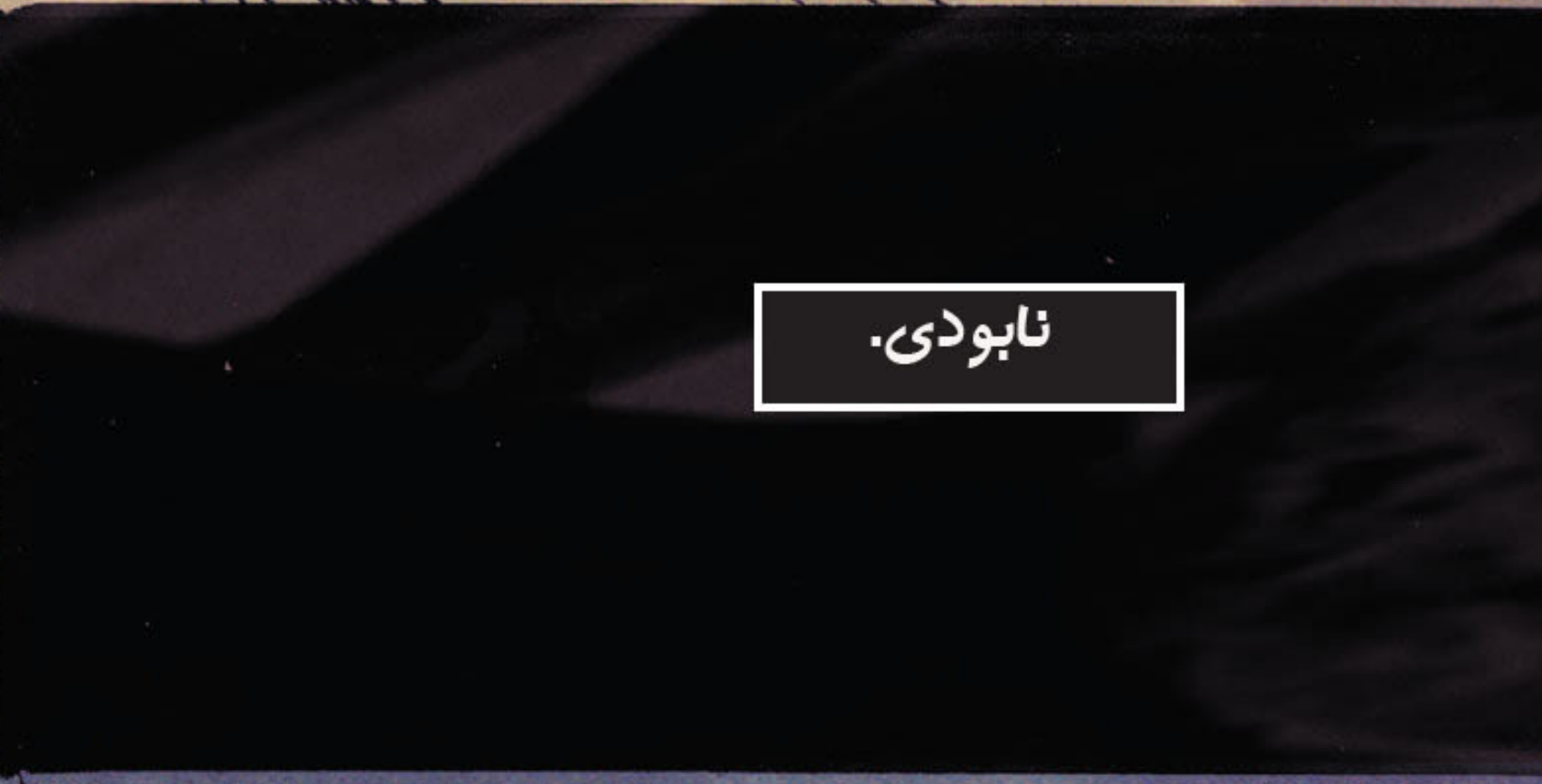
خشم.



ابدیت.



ضعف.



نابودی.



چشمهاتو
باز کن پسر.



ثور...

...چشمهاتو باز
کن.



آزگارد.
چهار ماه بعد.

آآخ!



آروم باش. نفس بکش...
خواب بودی پسر م.
حالت خوبه...

من... تو
تاریکی... من
شنیدم...

من...



...فکر می کنم
صداشو شنیدم.



مراقب باش. تو باید استراحت کنی. بمون و...

استراحت؟ نه. نه. به اندازه کافی استراحت کردم. باید... باید...

بهش رسیدگی شده پسر. مشکلی نیست. نیاز نیست...

چی؟ چی شده؟



جسدي نبود که بخواهيم دفن كنيم ثور. يه مجلس مي گيريم. ولي عجله اي نيست.



درسته.

...

ممنون.



ثور، من مي دونم برات سخته. ولي...

من حالم خوبه. نياز نيست...

الان وقت طوفان كله شقت نيست، پسر. بذار كمكت كنيم. بخاطر...



من به چيزي نياز ندارم!!!

ثور. خواهش
می کنم.
ما هم گمش
کردیم. ممکنه لازم
نباشه تو...



ولی...
ما به تو نیاز
داریم.

مادر...

من...
فقط باید...

مضحکه.
همه ما می دونیم
اون به چی نیاز
داره.

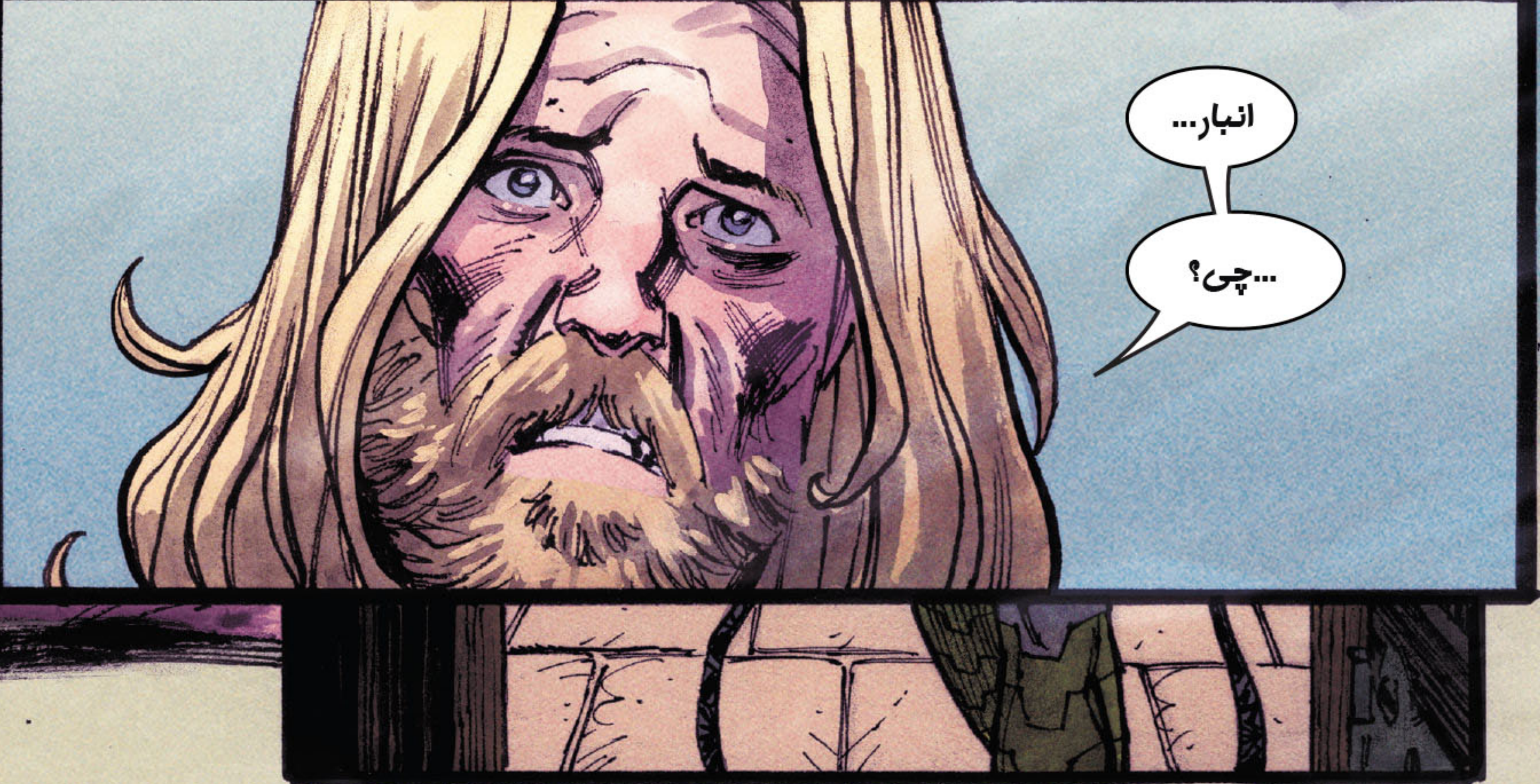


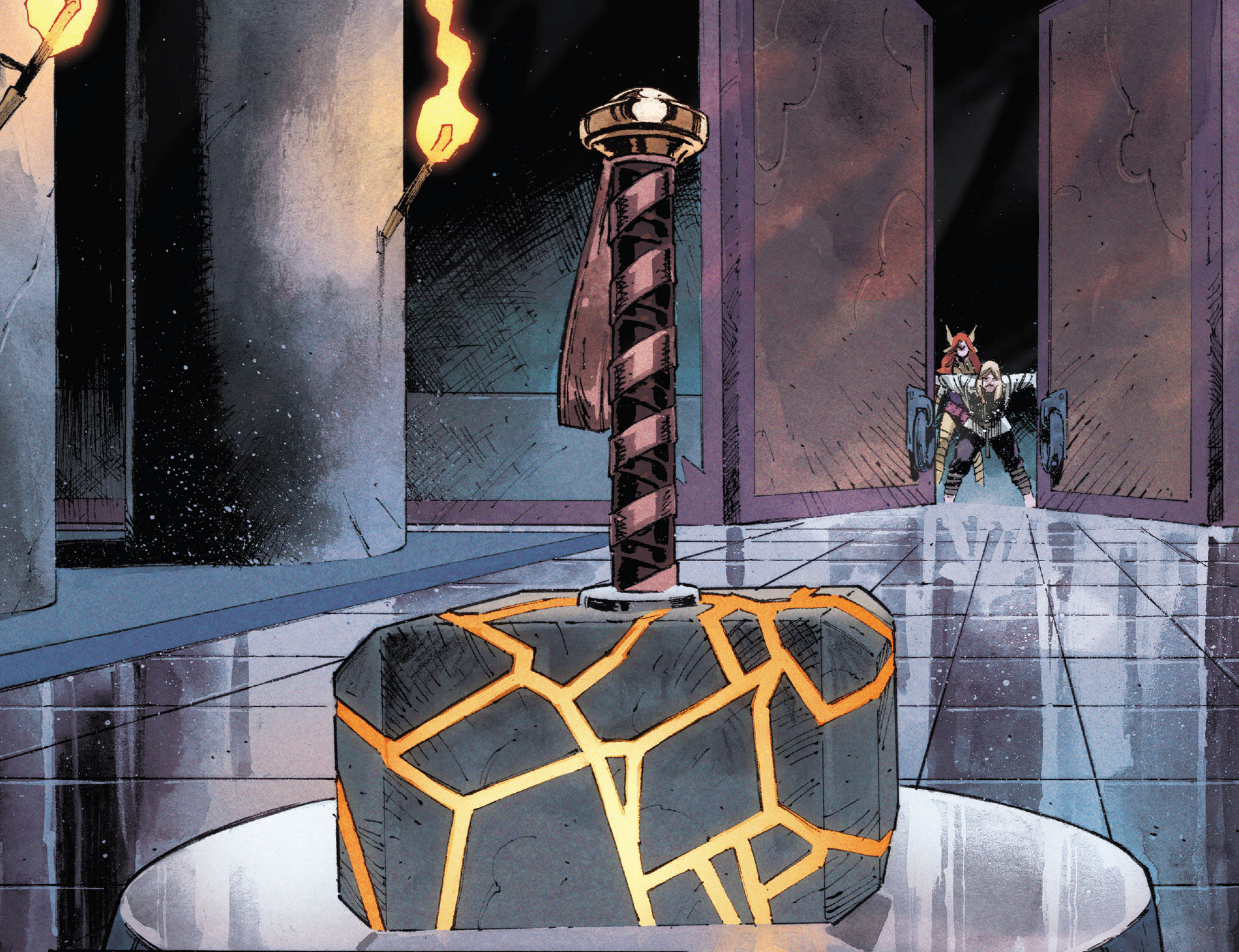
لباسهاتو بپوش
و تو انبار تسلیحات به
من بپیوندد.



انبار...

چی...؟





ولی... چطور؟
چطور...؟

تمام
فرشته های
آسمانی برادر.

ما کوتوله
نیستیم... ولی
کاری که از دستمون
برمی اومد، کردیم.

من... من
نمی دونم چی
بگم، آنجلا.
چرا...؟

بهت گفته
بودم که اگه لازم باشه
گندهایی که به قالب
می زنی تمیز کنم، این
کارو می کنم.

تو باید بدونی...

این...

فقط یه پتکه.
می دونم...

می تونم
حس کنم.

هیچ جادویی
در اون نیست.
هیچ قدرتی.

فکر کنم به
کسی که به دستش
می گیره، بستگی
داره...

تو چی؟



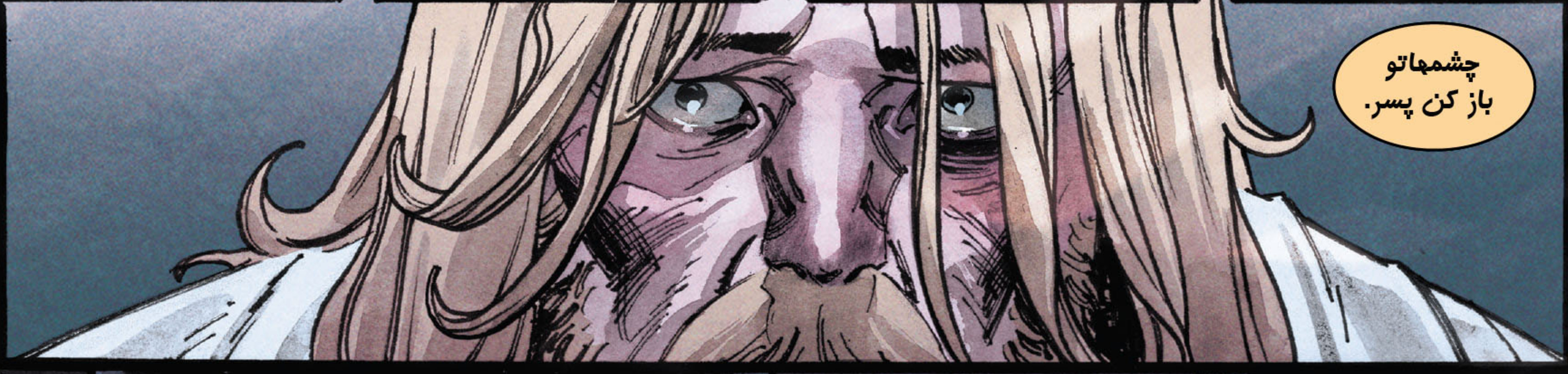


آنجلا، من
نمی توئم بقدر کافی
ازت تشکر کنم...

...
...درسته.



پدر...
می دونم...
یه جایی می تونی
صدای منو بشنوی...
فقط...
خیلی سردرگمم.
نمی توئم... نمی توئم
مسیر رو ببینم...



چشمجاتو
باز کن پسر.

یه پادشاه
نمی تونه زانو
زده حکومت
کنه.

...پدر؟

ادامه دارد!

قسمت بعد:

قسمت ۷۵۰ از داستان ثور!
شصتمین سالگرد خلق شخصیت ارباب صاعقه، ثور که در آن افراد خلاق
تیم های گذشته و حال دور هم جمع خواهند شد تا مراسم تدفین
اودین توانمند را به تصویر بکشند!



یک حماسه آزرگاردی در حد و اندازه ای بزرگ که نمی خواهید از دستش دهید!

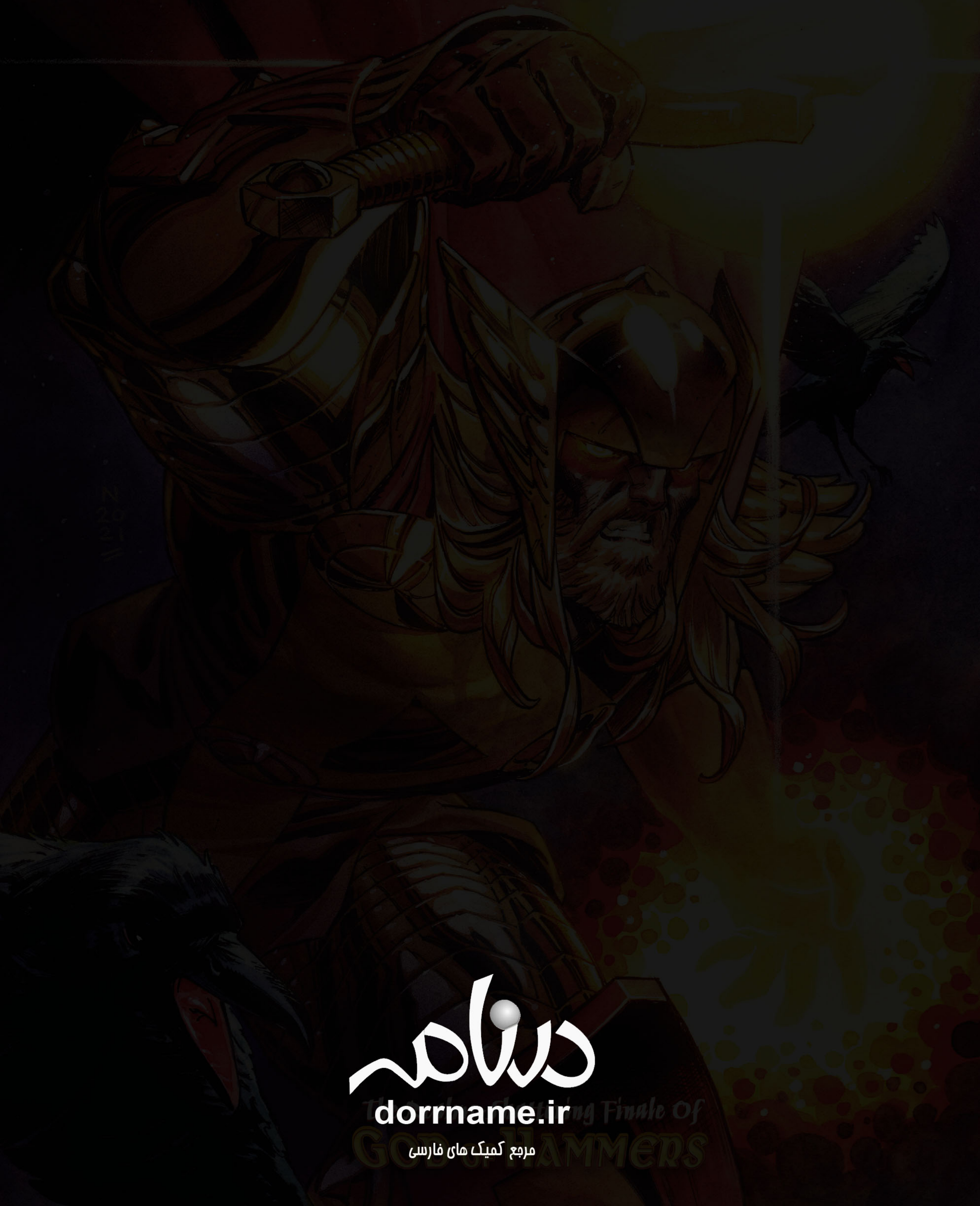
MARVEL

23

LGY#749

DONNY CATES
NIC KLEIN
MATT WILSON

THOR



دورنامه

dorname.ir

مجموعه کمیک های فارسی

The Amazing Final of
GOD OF THAMMERS